

## عیسی چگونه راه، و راستی، و حیات است؟

سی. ان. ویلبورن

سال‌ها پیش شنیدم که یکی از استادان نامدار دانشگاهی، در دفاع از ایجاد محیطی بردبار در پردیس تاریخی خود سخن می‌گفت. اما بلافاصله افزود که دانشگاهش «بی‌بردباری را تحمل نخواهد کرد.» طنز تلخ این جمله را دریابید. چنین سخنی در واقع، تصویری از روزگار ماست؛ روزگاری که با افتخار از «بردباری» سخن می‌گویند، اما همزمان از هر ادعای انحصارگرایانه نفرتی عمیق دارد—به‌ویژه آنگاه که مسیحیان، مسیح و نجات را تنها راه می‌دانند.

کتاب مقدس مملو از ادعاهای انحصاری است. تضاد زندگی و مرگ، شالوده‌ی ایمان مسیحی است. راه زندگی و راه مرگ در جای جای کتاب مقدس ترسیم شده است؛ در قربانی قائن که بی‌ایمان بود و قربانی هابیل که از ایمان برخاست، یا در کنار هم قرار گرفتن عیسو و یعقوب. خود عیسی این تقابل را در قالب دو راه، یکی تنگ و دیگری فراخ بیان کرد—راهی به زندگی می‌انجامد و راهی دیگر به نابودی (متی ۷: ۱۳-۱۴). و راه تنگ در شخص عیسی مسیح آشکار شد، آن‌گاه که فرمود: «من راه و راستی و حیات هستم» (یوحنا ۱۴: ۶). چنین ادعایی از همان قرن دوم میلادی در «دیداخه»، و سپس در اعتقاداتها و اعتراف‌نامه‌های کلیسا تا به امروز بازتاب یافته است.

اما پرسش این است: عیسی چگونه «راه، و راستی، و حیات» است؟ پاسخ دو بُعد دارد، ولی از هم جدایی‌پذیر نیستند: بُعد عینی و بُعد ذهنی. عینی از آن جهت که او به راستی خدای جسم پوشیده است؛ ذهنی از آن رو که نجات او تنها از راه ایمان به آنچه هست و آنچه کرده است، نصیب انسان می‌شود.

از منظر عینی، عیسی «راه» است، زیرا هم خداست و هم انسان. برای رهبران یهودی، این سخن آتشی بر خرمن بود؛ چراکه وقتی او گفت «من هستم»، به روشنی بر الوهیت خویش تأکید می‌کرد و آنان این را خوب می‌دانستند (یوحنا ۱۰: ۳۳). او «راه» است، زیرا خداست؛ و «راه» است، زیرا انسان شد. او جسم پوشید تا راه‌هایی از بن‌بستی شود که آدم ما را در آن گرفتار ساخت (رومیان ۵). راه عدالت و قدوسیتی که آدم نتوانست بپیماید، او به کمال پیمود. توانست جای آدم بایستد، چون «از زن زاده شد» (غلاطیان ۴: ۴). قربانی بی‌عیب او توانست گناهان بسیاری را بردارد، زیرا او خدا بود (اشعیا ۵۳: ۱۲؛ اول پطرس ۲: ۲۴). در او، آشتی میان انسان و خدا ممکن شد (رومیان ۵: ۱۱؛ دوم قرنتیان ۵: ۱۸-۲۱). تنها خدای انسان شده می‌توانست چنین «راهی» باشد.

او همچنین «راستی» است. در همان انجیل می‌خوانیم که عیسی اعلام کرد: «کلام من سرچشمه‌ی راستی است» (یوحنا ۸: ۳۲-۳۱). این راستی انسان را از بندگی گناه آزاد می‌کند (یوحنا ۸: ۳۴-۳۵). و او افزود: «پس اگر پسر شما را آزاد کند،

به راستی آزاد خواهید بود» (یوحنا ۸: ۳۶). شاید بپرسیم: آیا این کلام او نیست که آزاد می‌کند؟ بلی، اما نمی‌توان کلام و راستی را از کلام زنده و بخشنده‌ی راستی جدا ساخت. نویسنده‌ی عبرانیان نیز همین تجسم کلام مکتوب را توصیف می‌کند (عبرانیان ۴: ۱۲-۱۳). عیسی «راستی» است زیرا خدای زنده و حقیقی است (ارمیا ۱۰: ۱۰).

و این ما را به ادعای او به‌عنوان «حیات» می‌رساند. در آغاز کتاب مقدس، خدایی را می‌بینیم که سخن گفت و همه‌چیز به حیات آمد. پس جای تعجب نیست که درباره‌ی مسیح نوشته‌اند: «زیرا که در او همه‌چیز آفریده شد... و در او همه‌چیز قوام دارد» (کولسیان ۱: ۱۶-۱۷). او خالق است، و افزون بر آن، آفرینش تازه را برای قوم خود به‌دست آورد—او نجات‌دهنده‌ی گناهکاران است. اگر او می‌توانست با کلام خود همه‌چیز را بیافریند، پس همان کلام قادر است حیات جاودان عطا کند.

مزامیر نیز همین حقایق را بازمی‌گویند: «راه حیات» در حضور اوست (مزمور ۱۶: ۱۱). همان مزمور، «راستی» را چون مشورتی الهی معرفی می‌کند که قدیسان را تعلیم می‌دهد (مزمور ۱۶: ۷). و «حیات» را پناهی در خداوند می‌بیند که محافظت می‌کند (مزمور ۱۶: ۱). در مزمور ۱۱۹، خداوند نه‌تنها نوری است که راه را روشن می‌کند، بلکه کلامی است که مسیر زندگی را معنا می‌بخشد. در حقیقت، او خود راه است.

پس عیسی مسیح، به‌طور عینی، «راه، و راستی، و حیات» است زیرا خدای جسم پوشیده است. اما برای من و شما، این حقیقت چگونه جان می‌گیرد؟ چگونه از یک واقعه‌ی تاریخی فراتر می‌رود و در زندگی ما جاری می‌شود؟ پاسخ این است: تنها به‌واسطه‌ی فیض، از راه ایمان، در مسیح. او به‌واسطه‌ی ایمان، راه ما به سوی پدر می‌شود. «راستی» او از آن ما می‌گردد. «حیات» و آن حیات فراوان (یوحنا ۱۰: ۱۰) نیز از آن ما می‌شود. او همه‌ی این‌ها را برای هر گناهکار، از راه ایمان، عطا می‌کند: «به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱۶: ۳۱). او خدایی دور و دست‌نیافتنی نیست، بلکه خدا با ماست، در ایمان.

ما در جهانی به‌سر می‌بریم پر از تردید نسبت به راه آینده، حقیقت راستی، و معنای زندگی. اما کلیسا پاسخی سرشار از امید دارد: از دیدگاه عینی، عیسی «راه، و راستی، و حیات» است، چون خدای جسم پوشیده است؛ تنها خدا می‌تواند چنین باشد. و از دیدگاه ذهنی، او از طریق عطیه‌ی فیض‌بخش ایمان، «راه، و راستی، و حیات» برای ما می‌شود. این ایمان ما را در اتحاد با مسیح قرار می‌دهد، او که ما را با پدر آشتی می‌دهد. این حقیقتی استوار است که همه‌ی کسانی که در مسیح‌اند می‌توانند با اطمینان از آن برخوردار شوند.

این مقاله بخشی از مجموعه «من هستم» های عیسی است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

**دکتر سی. ان. ویلبورن**، شبان ارشد کلیسای پرزبیتری کاوننت در اوکریج ایالت تنسی بوده و استاد کمکی تاریخ کلیسا در دانشگاه الهیات پرزبیتری گرینویل می‌باشد.